

معرفی نویسنده: صمد بهرنگی

صمد بهرنگی در تیرماه سال ۱۳۱۸ در یکی از خانه‌های جنوب محله‌ی چرنداب تبریز به دنیا آمد. کودکی را در خانواده‌ی زحمتکش به جوانی رساند و در سال ۱۳۳۶ با فارغ التحصیل از دانشسرای تربیت معلم، آموزگار روستاهای آذربایجان شد و یازده سال در ممقان، قد جهان، آذرشهر، گوگان و آخیرجان درس داد.

صمد در کنار شغل معلمی به نوشتن قصه و مقالات ادبی و تربیتی نیز می‌پرداخت.

وی در ۱۷ شهریور سال ۱۳۴۷ در سن ۲۹ سالگی در رود ارس می‌گویند غرق شد ولی هرکس آثار صمد را مطالعه کند نظریات او را نسبت به ظلم و استثمار شاهان سرمایه داری و امپریالیزم و... می‌فهمد که او را واقعاً غرقش کردند، هر چند در آثار بجا مانده از او، صمد همیشه زنده است.

صمد بهرنگی عشق فراوانی به قهرمانان تاریخی که برای عدالت مبارزه می‌کردند داشت و در تمامی نوشته‌های خود سعی کرده از خوبی‌ها بگوید و بدی‌ها را نقد کرده و از بین ببرد. صمد بهرنگی در طول عمر نه چندان بلند خود توانست کارهای پُرازشی انجام بدهد.

گذشته از قصه‌های کودکان، که با بهترین نمونه‌های ادبیات کودک دنیا هم‌ترازند (ماهی سیاه کوچولو، یک هلو هزار هلو، الدوز و کلاغ‌ها، الدوز و

عروسک سخنگو، کوراو غلو و کچل حمزه، ۲۴ ساعت در خواب و بیداری، پسرک لبو فروش، افسانه محبت، تلخون... مقاله های زیادی هم نوشته است. «کندوکاو در مسائل تربیتی ایران» مجموعه ای مقاله های تربیتی او، به صورت کتاب منتشر شده و باقی مقاله هایش به صورت مجموعه ای منتشر شده است. حاصل تلاش خستگی ناپذیر او برای جمع آوری ادبیات شفاهی مردم آذربایجان دفترهای فولکور است که تاکنون سه جلد از آن منتشر شده. شعرهایی که از شاعران معاصر فارسی زبان به آذری ترجمه کرده نمودار قدرت و تسلطش به زبان آذری است.

قسمتی از مقاله ای صمد در همین سایت کتاب هنر و ادبیات، بخش «یادی از حیدر بابای شهریار» صفحه ی ۷۶ و ۷۷ نظر صمد را نسبت به «امپریالیزم آمریکا» و حامیانشان و «پان ترکیزم» می خوانیم:

"آقای فتحی برای دفاع از اشعار (!) مذکور، تفریظات روزنامه های اطلاعات و آلیک و مجله ی تورک کولتورو (فرهنگ ترک) را به رخ می کشند. در مورد نحوه ی اظهارنظر دوتای اولی اگر سخنی نگوییم بهتر است زیرا گوروکن کنده بلدچی لازم دگیل. معادل ضرب المثل فارسی که می گوید: چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است.

اما آن سومی که از طرف «تورک آراشتیرما انستیتوتو» (مؤسسه ی تحقیقاتی ترک) منتشر می شود و آقای فتحی آن را به غلط «آریشدیرما (!) انیورسته سی» نوشته اند که اگر بخوایم در بی معنایش معنایی به آن بدهیم باید چنین ترجمه کنیم: دانشگاه تحقیقاتی (!)

در دو کلمه عرض شود که چرخ های این مؤسسه گویا با دلار آمریکایی می گردد و مأموریتش بخش و رواج افکار بی پایه ی «پان ترکیزم» است با تکیه بر خرافه پرستی و قضاوت های کورکورانه ی تاریخی و پیشداوری. یک نظر نسبتاً عمیق به مجله ی فرهنگ ترک این مسأله را ثابت می کند. حالا خودتان قضاوت کنید که تقریظ نشریه ی همچو مؤسسه ای چه افتخاری می تواند باشد.

لازم به یادآوری است که آمریکا در جنگ کره در نتیجه ی همینگونه تبلیغات بود که سربازان ترکیه را به جنگ کشاند و آن هم چگونه."

یاشار آذری